

## بررسی شناختی طرح‌واره‌های تصویری داستان حضرت موسی علیه السلام در سوره قصص براساس نظریه لیکاف و جانسون

عزت ملاابراهیمی<sup>۱</sup> - مصطفی قدنه<sup>۲</sup>

### چکیده

زبان‌شناسی شناختی یکی از مهم‌ترین رویکردهای زبان‌شناسی مدرن به‌شمار می‌آید که میان زبان و اندیشه، ارتباط معنا‌داری برقرار می‌کند و دامنه مباحث آن نظریه‌های مختلفی را دربرمی‌گیرد. ازجمله این نظریه‌ها نظریه طرح‌واره‌های تصویری است که در زبان‌شناسی شناختی، به‌عنوان ساختارهایی جسمانی‌شده برای بازنمایی مفاهیم انتزاعی شناخته می‌شوند. در قرآن کریم، مفاهیم انتزاعی بسیاری وجود دارد که در قالب مجموعه‌ای از مفاهیم عینی بیان شده‌اند. بررسی این مفاهیم به مخاطب در فهم و درک صحیح‌تر فرهنگ قرآنی یاری می‌رساند. پژوهش پیش‌رو داستان حضرت موسی علیه السلام در سوره قصص را از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی و با تأکید بر نقش طرح‌واره‌های تصویری تحلیل و تبیین کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که طرح‌واره‌های حجمی مانند تصویرسازی دل‌مادر حضرت موسی علیه السلام و دیگر نشانه‌های الهی، طرح‌واره‌های حرکتی مانند ترسیم مسیرهای رشد و تعالی و نیز طرح‌واره‌های قدرتی چون نمایش موانع و حمایت‌های الهی موجب عمیق‌تر شدن تأثیرگذاری پیام قرآنی بر ذهن و قلب مخاطبان

شده است. همچنین پژوهش حاضر نشان‌دهنده هنرمندی بی‌مانند قرآن در بهره‌گیری از مفاهیم حسی برای تسهیل درک و فهم معنا و افزایش تأثیرگذاری آن بر شنونده است.

**کلیدواژه‌ها:** معناشناسی شناختی، طرح‌واره‌های تصویری، سوره قصص، حضرت موسی علیه السلام.

## ۱. مقدمه

قرآن کریم به عنوان معجزه جاودان اسلام، همواره الهام‌بخش پژوهشگران در حوزه‌های مختلف علمی، ادبی و هنری بوده است. یکی از ویژگی‌های برجسته این کتاب آسمانی، توانایی در انتقال مفاهیم انتزاعی و الهی به شیوه‌ای ملموس و قابل درک است. در این میان، زبان‌شناسی شناختی به عنوان شاخه‌ای از علوم زبانی که بر فرایندهای ذهنی و نقش تجربیات انسانی در مفهوم‌سازی زبان تأکید دارد، رویکردی نوین در تحلیل متون دینی و ادبی ارائه می‌دهد. این شاخه از زبان‌شناسی بر این باور است که زبان نه تنها ابزاری برای ارتباط، بلکه بازتابی از ساختارهای ذهنی انسان و تجربیات جسمانی اوست. از این رو معناشناسی شناختی، به عنوان زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی شناختی، معنا را در ارتباط مستقیم با تجربیات ذهنی و بدنمند انسان بررسی می‌کند. این رویکرد، مفاهیمی مانند بالا و پایین، درون و بیرون یا حرکت و سکون را که از تجربیات جسمانی و تعامل با محیط نشئت گرفته، به عنوان ساختارهای پایه‌ای شناخت انسانی معرفی می‌کند. مفاهیم یادشده در بیشتر موارد به یاری استعاره‌ها و طرح‌واره‌های تصویری به بیان درمی‌آیند. طرح‌واره‌های تصویری نیز به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در زبان‌شناسی شناختی، همان ساختارهای جسمانی شده‌ای هستند که مفاهیم انتزاعی را به شیوه‌ای ملموس بازنمایی می‌کنند.

نظریه طرح‌واره‌های تصویری، نخستین بار به وسیله جورج لیکاف و مارک جانسون مطرح شد. این نظریه نشان می‌دهد که تجربیات جسمانی و تعاملات روزمره چگونه به ساختارهای مفهومی تبدیل شده و در زبان بازتاب می‌یابند. طرح‌واره‌های تصویری را می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد: حجمی مانند درون و بیرون، حرکتی مانند مسیر و

جهت و قدرتی مانند فشار و مقاومت. این طرح‌واره‌ها به عنوان ابزارهایی برای درک و تبیین مفاهیم انتزاعی متون مختلف، از جمله متون مقدّس دینی به کار گرفته می‌شوند. پژوهش حاضر با تمرکز بر داستان حضرت موسی علیه السلام در سوره قصص به واکاوی نقش طرح‌واره‌های تصویری در تقویت انتقال پیام الهی پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه این ابزارها، هم‌زمان بر درک مفاهیم انتزاعی و تأثیرگذاری پیام یاری می‌رسانند.

## ۲. ضرورت پژوهش

در سال‌های اخیر، توجه به زبان‌شناسی شناختی و به‌ویژه طرح‌واره‌های تصویری، به عنوان ابزاری کارآمد در تحلیل متون دینی و ادبی، رو به افزایش بوده است. با وجود این، داستان موسی علیه السلام در سوره قصص کمتر از این دیدگاه مورد تحلیل قرار گرفته؛ حال آنکه این سوره با بهره‌گیری هنرمندانه از تصویرسازی‌های حسی، زمینه‌ای مناسب برای تبیین مفاهیم انتزاعی فراهم آورده است. از این‌رو بررسی داستان حضرت موسی علیه السلام از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی و معناشناسی تصویری می‌تواند به درک عمیق‌تری از شیوه‌های بیانی قرآن و اثرگذاری آن بر ذهن مخاطب بینجامد.

## ۳. هدف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل شناختی داستان حضرت موسی علیه السلام در سوره قصص با تمرکز بر کاربرد طرح‌واره‌های تصویری در انتقال مفاهیم انتزاعی است. پژوهش می‌کوشد نشان دهد که چگونه قرآن با بهره‌گیری از طرح‌واره‌های یادشده، پیام‌های الهی را به شیوه‌ای ملموس، قابل فهم و تأثیرگذار ارائه می‌کند و چگونه این شیوه بیان می‌تواند ارتباط معنوی و حسی عمیق‌تری میان متن و مخاطب برقرار سازد.

## ۴. روش پژوهش

پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و براساس چارچوب نظری زبان‌شناسی شناختی انجام شده است. پس از معرفی مفاهیم کلیدی مانند طرح‌واره‌های تصویری،

معناشناسی شناختی و نظریه‌های لیکاف و جانسون، آیات مرتبط با داستان حضرت موسی علیه السلام در سوره قصص استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته است. تحلیل آیات نیز از طریق شناسایی انواع طرح‌واره‌های حجمی، حرکتی و قدرتی و شیوه به‌کارگیری آن‌ها در تصویرسازی مفاهیم انتزاعی صورت گرفته است.

### ۵. سؤال‌های پژوهش

پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:  
 - طرح‌واره‌های تصویری در داستان حضرت موسی علیه السلام در سوره قصص کدام‌اند و دلالت‌های شناختی هرکدام از آن‌ها چیست؟  
 - طرح‌واره‌های حجمی، حرکتی و قدرتی این داستان چه مفاهیمی را انتقال می‌دهند؟

### ۶. پیشینه پژوهش

وجود مجموعه‌ای از پژوهش‌ها درباره طرح‌واره‌های تصویری قرآن نشان‌دهنده کوشش محققان برای رسیدن به درک عمیق‌تری از شیوه‌های بیان مفاهیم انتزاعی و تربیتی این کتاب آسمانی است. اینک با رعایت اختصار به بررسی برخی از این پژوهش‌ها پرداخته می‌شود:

- «طرح‌واره‌های تصویری در حوزه سفر دنیوی و اخروی از زبان قرآن» (۱۳۹۵) از مرتضی قائمی و اختر ذوالفقاری.

نویسندگان مقاله به تحلیل طرح‌واره‌هایی مانند حرکتی و حجمی پرداخته‌اند که به تصویرسازی ملموس‌تری از مسیرهای دنیوی و اخروی در قرآن یاری می‌رساند.

- «کارکرد طرح‌واره‌های تصویری در مفاهیم تربیت اخلاقی قرآن» (۱۳۹۶) از سیده فاطمه سلیمی و زهرا علی‌نجاج.

در این مقاله به بررسی شیوه مفهوم‌سازی اخلاق در قرآن از طریق طرح‌واره‌های حجمی و قدرتی پرداخته شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از طرح‌واره‌های یادشده موجب ارائه عینی‌تر مفاهیم تربیتی در قرآن شده است.

- «بررسی طرح‌واره‌های تصویری عذاب در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی شناختی» (۱۳۹۷) از مهدی عابدی جزینی و دیگران.

نویسندگان این مقاله طرح‌واره‌های حجمی و قدرتی تصویرسازی مفهوم عذاب را بررسی کرده و نقش آن‌ها را در ملموس کردن این مفهوم انتزاعی نشان داده‌اند.

- «بررسی شناختی طرح‌واره‌های تصویری در داستان موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و خضر عَلَيْهِ السَّلَامُ در قرآن» (۱۴۰۱) از علی اسودی و سلمان آزمون.

اسودی و آزمون ساختارهای حسی داستان موسی و خضر را بررسی کرده و چنین نتیجه گرفته‌اند که طرح‌واره‌های تصویری، نقش مهمی در تبدیل مفاهیم انتزاعی به عناصر قابل درک و تصویری برای مخاطب دارند.

- «تحلیل شناختی طرح‌واره‌های تصویری در مناجات خمس عشر» (۱۴۰۲) از رحمان نوازی و عزت ملاابراهیمی.

نویسندگان این مقاله با تکیه بر نظریه لیکاف و جانسون نشان داده‌اند که طرح‌واره‌های تصویری در درک معنایی و تفسیری مناجات‌های خمس عشر نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

بدین‌سان براساس بررسی‌های انجام شده، پژوهشی یافت نشد که طرح‌واره‌های تصویری داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در سوره قصص را بررسی و تبیین کرده باشد.

## ۷. مبانی نظری پژوهش

یکی از رویکردهای مهم زبان‌شناسی در کنار زبان‌شناسی صورت‌گرا و زبان‌شناسی نقش‌گرا، زبان‌شناسی شناختی است. مطالعات مربوط به زبان‌شناسی شناختی از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده و به تدریج در دهه‌های بعدی گسترش یافت. زبان‌شناسی شناختی رویکردی است که زبان را در ارتباط با ذهن و تجربیات انسانی بررسی می‌کند. این شاخه از زبان‌شناسی بر فرایندهای شناختی، مانند ادراک و مفهوم‌سازی تأکید فراوان داشته و زبان را بازتابی از ساختارهای فکری انسان می‌داند. در این دیدگاه، مفهوم‌سازی به معنای

فرایندی معنا‌ساز است که زبان در آن نقشی کلیدی ایفا می‌کند؛ به این معنا که زبان با فراهم کردن زمینه‌ای مناسب برای تلفیق و ترکیب مفاهیم مختلف، در تولید معنا سهیم است. براین اساس، واژه‌ها به صورت مستقل حامل معنا نیستند؛ بلکه در فرایند شکل‌گیری معنا نقش فعالی ایفا می‌کنند. طرفداران این دیدگاه زبان را نظام‌مند می‌دانند و معتقدند که زبان، ساختار فکر و مفهوم‌سازی‌های ذهنی را بازتاب می‌دهد. راسخ مهند می‌نویسد: «این مفهوم‌سازی‌ها متناسب با موقعیت‌های خاص شکل می‌گیرند و از طریق زبان بروز می‌کنند. به همین دلیل ساختار زبان می‌تواند ساختار پیچیده فکر انسان را آشکار کند» (راسخ مهند، ۱۳۹۳: ۱۲).

در کتاب معناشناسی شناختی قرآن آمده است که زبان‌شناسی شناختی نقش تجربیات انسانی، تعامل بدن با محیط و اطلاعات ساخت یافته ذهن را در تولید معنا بررسی می‌کند. ابزارهایی چون تعبیر<sup>۱</sup> (برداشت ویژه از موقعیت)، قالب<sup>۲</sup> (اطلاعات فراتر از فرهنگ لغت) و استعاره<sup>۳</sup> (تبیین یک حیطة مفهومی با استفاده از حیطة‌ای دیگر) در این فرایند اهمیت دارند. این ابزارها نشان می‌دهند که معنا چیزی جز مفهوم‌سازی ذهنی که از طریق زبان ظهور می‌یابد، نیست (قائم‌نیا، ۱۴۰۰: ۴۳). به طور کلی، زبان‌شناسی شناختی، معناشناسی را یکی از محورهای اصلی مطالعات خود قرار داده و از طریق تحلیل ساختار زبان می‌کوشد سازوکارهای ذهنی و شناختی انسان را کشف کند.

معناشناسی شناختی نیز یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی شناختی است که زبان را بخشی از ساختار شناختی انسان می‌داند و برخلاف رویکردهای سنتی، آن را از دیگر قوای شناختی مستقل نمی‌بیند (نوازی و ملاابراهیمی، ۱۴۰۲: ۹۵). در این دیدگاه، دانش زبانی بخشی از شناخت عمومی انسان است و زبان به مثابه ابزاری برای بازنمایی تجربیات ذهنی عمل می‌کند. به عبارت دیگر، معناشناسی شناختی، معنای زبانی را

- 
1. Construal
  2. Frame
  3. Metaphor

بازتابی از سازمان مفهومی و تجربه‌های ذهنی می‌داند. از دیدگاه معناشناسان شناختی، انسان‌ها تجربه‌های خود از محیط را در ذهن به صورت مفاهیم ذخیره می‌کنند. این مفاهیم نه تنها ابزار تفکر، بلکه وسیله‌ای برای برقراری ارتباط با دیگران هستند. براین اساس «دانش زبانی که امکان تولید و درک گفتار را فراهم می‌کند، ریشه در تجربه‌های انسان از جهان و تعاملات او با محیط دارد. این تجربه‌ها، از بدو تولد، بنیان شناخت و زبان انسان را شکل می‌دهند» (بلیس و اردیلی، ۱۳۹۲: ۱۹).

یکی از اصول کلیدی معناشناسی شناختی اصل بدنمندی (Embodiment) شناخت است. براساس این اصل، ساختار مفهومی از تجربه بدنمند انسان برآمده است. توضیح مطلب اینکه تجربه‌های بدنی ما پایه و اساس سازمان مفهومی ما را تشکیل می‌دهد؛ برای نمونه قامت عمودی انسان مفاهیم بالا و پایین را برای او معنی‌دار می‌سازد؛ حال آنکه این تجربه برای دیگر موجودات ممکن است، متفاوت باشد. درک انسان از محیط و تعاملاتش با جهان نیز بر تجربه بدنمندی استوار است؛ به این معنا که نخست، بدن به عنوان حجمی در مکان درک می‌شود و سپس این تجربه حجمی شدگی به دیگر مفاهیم سرایت می‌کند. به گفته لیکاف و جانسون «ساختار مفاهیم مکانی نتیجه تعاملات ثابت و تکراری انسان با محیط فیزیکی است» (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷: ۱۰۴). این تجربه حجمی شدگی نمونه‌ای از طرح‌واره‌های تصویری است که نقشی اساسی در شکل‌دهی مفاهیم معنی‌دار بازی می‌کنند. به طور خلاصه می‌توان گفت «معناشناسی شناختی تأکید دارد که دانش زبانی، ریشه در تجربه‌های انسان و تعاملات بدنمند او با جهان دارد. زبان نه تنها وسیله‌ای برای بیان معنا، بلکه بازتابی از سازمان شناختی ذهن انسان است» (جانسون، ۱۳۹۷: ۲۸).

نظریه طرح‌واره‌های تصویری نخستین بار در معناشناسی شناختی مطرح شد و سپس در علوم دیگر مورد توجه محققان قرار گرفت. این نظریه که به وسیله لیکاف و جانسون پایه‌گذاری شد، به منشأ پیچیدگی نظام مفهومی انسان پرداخته و آن را حاصل تعامل میان ویژگی‌های جسمی و مفاهیمی می‌داند که از تجربیات فیزیکی شکل می‌گیرند.

براین اساس طرح‌واره‌های تصویری، ساختارهای مفهومی و جسمی شده‌ای هستند که از تعاملات ادراکی، حرکات بدن در فضای سه بعدی و برخورد با اشیا به وجود می‌آیند. جانسون در کتاب بدن در ذهن بیان می‌کند که این تجربیات جسمی شده «اساس شکل‌گیری طرح‌واره‌های تصویری در نظام مفهومی انسان هستند» (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷: ۱۱۴). این نظریه تأکید دارد که تجربیات جسمی و مکانمندی زمینه‌ساز ایجاد مفاهیم انتزاعی می‌شوند. یکی از مکانیزم‌های کلیدی در این فرایند، فرافکنی استعاری (Projection Metaphorical) است که به طرح‌واره‌های ملموس اجازه می‌دهد مفاهیم انتزاعی تری مانند عشق را نمایان سازند. اما طرح‌واره‌های تصویری نه تنها مفاهیم ملموس، بلکه مفاهیم انتزاعی تری مانند تورم و انگیزه را نیز شکل می‌دهند و این مفاهیم براساس تجربه جسمی انسان از بالا و پایین به وجود آمده‌اند. براساس تحلیل جانسون «طرح‌واره‌های تصویری به ذهن انسان به گونه‌ای ساختار می‌دهند که بدون آن‌ها فهم و تفکر ممکن نیست» (عامری، ۲۰۲۰: ۳۷۰). این نظریه نشان می‌دهد که تفکر و زبان، به طور عمیقی، به تجربیات جسمی و طرح‌واره‌های تصویری وابسته‌اند و از آن‌ها برای بازنمایی مفاهیم، به ویژه مفاهیم انتزاعی بهره می‌برند.

## ۸. داده‌های اصلی پژوهش

سوره قصص بیست و هشتمین سوره قرآن و از سوره‌های مکی است. هرچند این سوره به علت پرداختن به داستان پیامبران به این نام مشهور شده، به ویژه داستان حضرت موسی علیه السلام را گزارش کرده است. سوره قصص با بیانی دقیق و جذاب و به تفصیل، داستان‌هایی از تولد موسی، پرورش او در خانه فرعون، مهاجرت به مدین، نبوت، رویارویی با فرعون و نجات بنی اسرائیل را بیان می‌کند. محور اصلی داستان حضرت موسی علیه السلام در این سوره، تأکید بر توحید، مبارزه با ظلم و استکبار و تبیین قدرت الهی است. شخصیت‌های کلیدی این سوره حضرت موسی علیه السلام، فرعون و خانواده‌اش و حضرت شعیب علیه السلام و دخترانش هستند و آموزه‌هایی چون ایمان به وعده الهی، اعتماد به

لطف پروردگار و ایستادگی در برابر ظلم از پیام‌های تربیتی آن است.

### ۸-۱. طرح‌واره‌های حجمی

در طرح‌واره حجمی، مفاهیم انتزاعی گویی دارای فضای هندسی هستند؛ یعنی حجم دارند. در واقع «این موضوعات هندسی پیش‌تر توسط جسم انسان به‌طور حسی تجربه شده است و ذهن این مفاهیم را پس از تطبیق با تجربه حسی درک می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۱۶۳). در این نوع طرح‌واره، انسان از طریق تجربه حضور در فضای سه‌بعدی و درک مفهوم حجم، بدن خود را همچون عنصری دارای مرز، درون و بیرون درک می‌کند و این تجربه زیربنای مفاهیمی می‌شود که در ذهن او شکل می‌گیرند (لیکاف، ۱۴۰۰: ۵۲). بدین‌سان «طرح‌واره حجمی بازتاب تجربه انسان از اشیای حجم‌دار است که مرز مشخصی میان درون و بیرون ایجاد می‌کند» (صفوی، ۱۳۸۲: ۶۸)؛ از این‌رو این طرح‌واره معمولاً با کاربرد کلیدواژه‌های داخل، خارج، درون و بیرون بازنمود یافته و مشتمل بر ساختار داخلی و مرزی و بیرونی است (جانسون و لیکاف، ۱۳۹۷: ۱۳۳).

قرآن برای ملموس‌سازی مفاهیم و تأثیرگذاری عمیق‌تر بر ذهن و قلب حس‌گرای مخاطب به فراوانی از طرح‌واره‌های حجمی بهره برده است. موارد متعددی از این طرح‌واره‌ها در سوره قصص یافت می‌شود که در ادامه مقاله به آن‌ها پرداخته شده است. خداوند متعال در آیه‌ای از سوره مبارکه قصص می‌فرماید: «وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا...» (قصص/۱۰). در این آیه، طرح‌واره حجمی نمایان است؛ چنان‌که واژه «فؤاد» (دل) به شیوه‌ای بدیع و هنرمندانه ترسیم شده است. در اینجا دل که معمولاً نمادی انتزاعی برای احساسات و هیجانات درونی است، به صورت ظرفی حجم‌دار تصور شده که می‌تواند پر یا خالی شود. این تصویرسازی با تعبیر «فارغاً» (خالی و تهی شدن به علت شدت اضطراب و ترس) به اوج خود می‌رسد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان حال درونی مادر موسی را همچون ظرفی که از شدت ترس و نگرانی نسبت به آینده و سرنوشت فرزند لبریز شده، به‌طور محسوسی، درک کرد. این فارغ شدن نه صرفاً از ناراحتی‌ای معمولی، بلکه از حالتی

عمیق از بی‌قراری و اندوه است که در نتیجه دوری مادر از جگرگوشه‌اش ایجاد می‌شود. تصویرسازی قرآنی در این آیه، تضاد شدید وضعیت قبلی و بعدی مادر موسی را نشان می‌دهد. در دل مادر موسی پیش از افتادن فرزندش در آب و قرار گرفتن در نزد خاندان فرعون، افکار و اضطراب‌های متعددی جای داشته؛ اما اینک چیزی جز غصه دوری از جگرگوشه‌اش باقی نمانده است. این حالت اضطراب، تجربه‌ای است که هر انسان با قلب سالمی می‌تواند آن را تصور کند؛ اما خالی شدن دل و اختصاص آن به ترسی خاص، نماد ناآرامی عمیق و مطلقی است که پس از بازگشت موسی به دامن مادر از دل مادرش رخت برخواهد بست. این تصویر ملموس، هم عمق احساسات انسانی و هم الطاف الهی را با بیانی نافذ و زیبا به نمایش می‌گذارد.

در آیه ﴿قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ...﴾ (قصص / ۲۸)، مفهوم «عهد» که به ذات خود انتزاعی و مجرّد است، به کمک طرح‌واره حجمی به شکلی ملموس و محسوس تصویر شده است. استفاده از عبارت «بینی و بینک» (میان من و تو) که به عنوان ظرف مکان به کار رفته، مفهوم عهد بسته شده میان موسی و شعیب را بیشتر ملموس کرده و نشان می‌دهد که این پیمان‌گویی شیئی دارای مرزهای مشخص و ملموس است. این تصویرسازی، عهد را نه صرفاً یک توافق زبانی، بلکه به عنوان امری قطعی و غیرقابل انکار به نمایش می‌گذارد. موسی با این شیوه بیان اعلام می‌کند که این پیمان‌گویی به صورت مادی میان او و شعیب قرار دارد و این، قطعیت تصمیم موسی علیه السلام و اعتماد عمیق او به شعیب را نشان می‌دهد.

در آیه ﴿لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ...﴾ (قصص / ۲۹) مفهوم «خبر» که به ذات خود انتزاعی است، از طریق طرح‌واره‌ای حجمی، به گونه‌ای ملموس و قابل درک تصویر شده است. موسی هنگام مشاهده آتش در طور از احتمال یافتن خبری برای خانواده‌اش سخن می‌گوید. فعل «آتی» (آوردن) که معمولاً برای اشیای حجم دار به کار می‌رود، خبر را به عنوان چیزی قابل جابه‌جایی ترسیم می‌کند. این تصویر افزون بر تبدیل مفهوم انتزاعی خبر به چیزی دیدنی و ملموس، حس کنجکاوی و اشتیاق موسی برای کشف حقیقت را به

مخاطب منتقل می‌کند. بدین سان خبر نه صرفاً انتقال یک پیام، بلکه همچون گنجینه‌ای ارزشمند تصور شده که موسی می‌خواهد آن را به خانواده‌اش ارائه دهد.

در آیهٔ ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا...﴾ (قصص / ۱۴) دو مفهوم انتزاعی «حکم» و «علم»، به عنوان اشیایی حجم دار و قابل انتقال تصویر شده‌اند. استفاده از فعل «آتینا» (عطا کردیم) که بر انتقال چیزی محسوس و ملموس دلالت دارد، این دو مفهوم را به چیزهایی دیدنی و جابه‌جاشدنی تبدیل می‌کند. تصویرسازی یادشده نشان‌دهندهٔ ارزش و عظمت این دو موهبت الهی است؛ چنان‌که گویی حکم و علم همچون گوهری گران بها از سوی خداوند به موسی اعطا شده است. به هررو این شیوهٔ بیان تأثیر عمیقی بر مخاطب گذاشته و بزرگی مقام موسی بر اثر دریافت این دو موهبت را به خوبی برجسته می‌کند.

در آیهٔ ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ...﴾ (قصص / ۳۶) مفهوم «بیّنات» (نشانه‌های روشن) نیز با طرح‌وارهٔ حجمی، به شیوه‌ای هنرمندانه، تجسم یافته است. این آیه بیان می‌کند که موسی نشانه‌های روشن خداوند را برای قوم خود آورد. در واقع در این آیه، مفهوم انتزاعی بیّنات به گونه‌ای تصویر شده که گویی بیّنات مجموعه‌ای از اشیای قابل حمل و جابه‌جایی است. بدین سان تصویرسازی یادشده چنان روشنی و وضوح نشانه‌ها را تقویت می‌کند که در ذهن مخاطب هیچ شک و شبهه‌ای دربارهٔ آن‌ها باقی نمی‌ماند.

در آیهٔ یادشده، طرح‌وارهٔ دیگری وجود دارد و آن مفهوم انتزاعی «آیات» است که به شکل یک حجم و قابل اشاره به تصویر کشیده شده است. موسی عليه السلام با آیات الهی نزد قوم فرعون آمد؛ اما آنان این نشانه‌های روشن را انکار کردند و آن را سحر دانستند. استفاده از اسم اشارهٔ «هذا» در آیهٔ ﴿مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرٍ﴾ (قصص / ۳۶) به مخاطب چنین القا می‌کند که این نشانه‌ها چنان آشکار و قابل لمس‌اند که گویی می‌توان با دست به آن‌ها اشاره کرد. به هررو ملموس‌سازی این نشانه‌ها، هم به درک مخاطب کمک کرده و هم عظمت پیام الهی را در برابر انکار فرعونیان برجسته می‌سازد.

در آیهٔ ﴿وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ...﴾ (قصص / ۳۷) مفهوم «هدی»

هدایت) نیز از طریق طرح‌واره‌ای حجمی به عنوان چیزی ملموس و قابل انتقال به تصویر کشیده شده است. در این آیه چنین آمده که خداوند دانتر است به کسی که از نزدش هدایت را آورده است. هدایت که از سوی خداوند به موسی عطا شده، به شکلی تصویر شده که گویی می‌توان آن را به وضوح دید، لمس کرد و از دستی به دستی دیگر منتقل کرد. این تصویرسازی حجم‌مند، نقش موسی علیه السلام به عنوان حامل هدایت و رسالت الهی را برجسته می‌کند. افزون بر این، ملموس شدن مفهوم هدایت موجب آشکارتر شدن اهمیت آن در زندگی می‌شود.

در آیه ﴿فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ...﴾ (قصص/۳۲) خداوند متعال نخست ید بیضا و عصایی را که به ماری بزرگ تبدیل شده، به موسی علیه السلام نشان داده، سپس می‌فرماید که این دو معجزه برهان و دلیل روشنی از سوی پروردگار هستند. در این آیه، مفهوم انتزاعی «برهان» به عنوان چیزی حسی، قابل اشاره و حجم‌دار توصیف شده است. آمدن عبارت «من ربک» به عنوان ظرف مکان تأییدکننده حجم‌مند شدن واژه «برهان» در این تعبیر است. استفاده از این طرح‌واره موجب شده که آیات الهی اعطا شده به موسی علیه السلام کاملاً ملموس و قطعی جلوه کند؛ گویی این آیات چنان آشکارند که می‌توان با انگشت به آن‌ها اشاره کرد و هر دل سالم و قلب سلیمی باید با دیدن آن‌ها ایمان بیاورد. استفاده از اسم اشاره «ذانک» نیز که معمولاً برای اشیای محسوس به کار می‌رود، بر ملموس بودن این دو «برهان» تأکید می‌کند.

در آیه ﴿قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ...﴾ (قصص/۳۵) از قدرت و توان به بازو (عضد) تعبیر شده است (درویش، ۱۴۱۵: ۶۱۲)؛ چراکه مفهوم انتزاعی قدرت به صورت ملموس و محسوس در بازو تبلور می‌یابد و بازو در زبان عربی نماد قدرت و توانایی است. از این رو با توجه به تعبیر ﴿سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ﴾ (بازویت را به وسیله برادرت قوی خواهیم کرد) می‌توان گفت که تعبیر قوی شدن بازو در واقع ملموس نشان دادن مفهوم قدرت است.

موسی علیه السلام به علت قتل‌ی که در گذشته رخ داده، از روبه‌رو شدن با فرعون بیمناک است. افزون بر این وی می‌داند که فرعون پیام الهی‌اش را نخواهد پذیرفت. در چنین

شرایطی است که خداوند با استفاده از این تعبیر نافذ به وی دلگرمی می‌دهد. فعل «نشد» (تقویت کردن) این مفهوم را تقویت می‌کند که خداوند موسی را با حمایت برادرش، هارون، نیرومندتر خواهد ساخت. استفاده از این تصویر حسّی بر اهمیت اتحاد و همیاری در مواجهه با چالش‌ها و خطرات تأکید داشته و این پیام را به خوبی منتقل می‌کند که خداوند موسی را از هر نظر برای انجام مأموریت خطیرش آماده کرده است.

در آیهٔ «فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (قصص/۴۰)، مفهوم انتزاعی «عاقبت» به گونه‌ای حجم‌دار و قابل رؤیت توصیف شده است. خداوند متعال با تأکید بر نگاه درونی و کاربرد عبارت «فانظر» (بنگر) از مخاطب می‌خواهد که سرنوشت ظالمان را همچون صحنه‌ای ملموس و آشکار به تصویر درآورد. این امر به تصویرسازی، پیام عبرت‌آموز آیه را تقویت کرده و مخاطب را به تأملی عمیق‌تر دربارهٔ عواقب ظلم و ستم ترغیب می‌کند. مفهوم‌سازی «عاقبت» اهمیت آن را در ذهن مخاطب دوچندان می‌سازد؛ چراکه هرچه مفهومی محسوس‌تر باشد، اثرگذاری آن بر ذهن و قلب بیشتر خواهد بود. این تصویرسازی گویی ظالمان را در نقطه‌ای آشکار از شکست و نابودی قرار می‌دهد؛ جایی که هر بیننده‌ای می‌تواند نتیجهٔ کردار ناپسند آنان را ببیند و از عاقبتشان عبرت گیرد.

در آیهٔ «رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (قصص/۲۴)، موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ خطاب به خدا می‌گوید که پروردگارا هر خیر و نیکی‌ای که بر من نازل کنی، به آن نیازمندم. از سیاق آیه پیداست که خیر و نیکی به بارانی تشبیه شده که از آسمان نازل می‌شود. این تشبیه نشان‌دهندهٔ حجم‌مندی خیر و برکت الهی است که از جهتی خاص به سوی بندگان نازل می‌شود. فعل «انزلت» (نازل کردن) نیز خیر و نیکی را همچون شیئی ملموس و حجم‌دار ترسیم می‌کند که از سوی خداوند به انسان عطا می‌شود. از آنجاکه این تصویرسازی، وابستگی بندگان به رحمت و کرامت پروردگار را به زیبایی بیان می‌کند، احساس فقر و نیازمندی موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به ذات مقدّس الهی، به شکلی عمیق‌تر و تأثیرگذارتر در ذهن مخاطب نقش می‌بندد. به اعتقاد جانسون و لیکاف، «استعاره‌های وضعی یا جهتی استعاره‌هایی هستند که عمدتاً مفاهیم را براساس جهت‌گیری فضایی، مانند بالا،

پایین، عقب، جلو، دور، نزدیک و غیره سازمان‌دهی و مفهومی می‌کنند» (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷: ۲۴-۲۳). براین اساس در آیه یادشده مشاهده می‌شود که در مفهوم‌سازی احساساتی، مانند نیازمندی موسی علیه السلام به خیر و رحمت الهی، از انواع مبدأها برای مفهوم‌سازی استفاده شده است.

## ۸-۲. طرح‌واره‌های قدرتی

طرح‌واره قدرتی از درک مفهوم قدرت حاصل از برخورد انسان با محیط نشئت می‌گیرد. انسان در تعامل با اشیا نیروهایی را که بر او یا از او بر اشیا وارد می‌شود، تجربه می‌کند (لیکاف، ۱۴۰۰: ۸۲). از این رو قدرت به عنوان نیرویی که بر مسیرها یا موانع تأثیر می‌گذارد، در ذهن بازنمایی می‌شود؛ برای نمونه هنگام حرکت در مسیری ممکن است، موانعی پیش رو قرار گیرند که به شکستن یا کنار زدن آن‌ها نیاز باشد (صیادی نژاد و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۲). محققان اشاره می‌کنند که این تجربیات به شکل الگوهای ذهنی در انسان نهادینه شده و برای درک مفاهیم انتزاعی به کار می‌روند.

در سوره قصص، نمونه‌های قابل توجهی از طرح‌واره‌های قدرتی برای ملموس‌سازی مفاهیم و تأثیرگذاری عمیق بر ذهن و قلب حس‌گرای مخاطب یافت می‌شود. در آیه «فَإِذَا خِفَّتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ...» (قصص ۷۱)، نگرانی مادر موسی علیه السلام از سرنوشت فرزندش به شکلی ملموس و قدرتی توصیف شده است. به عبارت دیگر، این نگرانی به شکل مانع یا سدّی تجسم یافته که در برابر حیات موسی علیه السلام قرار گرفته است. در مقابل این سد، دریایی از امید و فرمان الهی قرار دارد که با الهام و ارتباط با مبدأ و حیانی، مادر موسی را ترغیب می‌کند تا به امر خداوند فرزندش را به آغوش دریا بسپارد. این طرح‌واره معنی امید به رحمت الهی را به گونه‌ای روشن‌تر و ملموس‌تر بیان کرده و نشان می‌دهد که نگرانی و اضطراب ناشی از قدرت فرعون، به صورت بسیار شدید در مقابل حیات موسی علیه السلام و رسیدن وی به نبوت قرار گرفته و سدّی ایجاد کرده است. این شیوه بیان به طور کامل متناسب با ذهن حس‌گرای انسانی است و تضاد میان

ترس و ایمان را به خوبی نشان می‌دهد. اعتماد مادر موسی به خداوند به او چنان امید و اطمینانی می‌بخشد که در نتیجه آن فرزندش را به دست موج‌های دریا می‌سپارد؛ در حالی که می‌داند این تصمیم بهترین راه برای حفظ جان موسی است.

در آیات دیگری از سوره قصص چنین آمده: ﴿وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ \* فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (قصص / ۲۰-۲۱). موسی علیه السلام پس از قتل ناخواسته مردی قبطی، در معرض تهدید جدی نیروهای فرعون قرار می‌گیرد. فردی از دورترین نقطه شهر شتابان می‌آید تا او را از خطر کشته شدن آگاه کند. اینجا مفهوم انتزاعی تهدید نیروهای فرعون به شکل سدّی قدرتمند تصویر شده که میان موسی و هدف او، یعنی ادامه حیات و رسیدن به مقام نبوت قرار گرفته است. این سدّ نمادی از خطری عظیم و به ظاهر شکست‌ناپذیر است که موسی علیه السلام باید برای زنده ماندن از آن عبور کند. تصویر خروج موسی از شهر و به ویژه استفاده از واژه‌هایی مانند «خائفاً» و «يَتَرَقَّبُ» حسّ ملموسی از شرایط بحرانی و اضطراب‌آمیز به مخاطب منتقل می‌کند. سرانجام، موسی با توکل به خداوند این مانع را پشت سر گذاشته و راهی برای نجات خود می‌یابد. این بیان تصویری افزون بر کمک به درک بهتر موقعیت موسی علیه السلام قدرت و عظمت تصمیم وی برای غلبه بر تهدید را نیز به خوبی به تصویر می‌کشد.

خداوند متعال در آیات دیگری می‌فرماید: ﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَأُبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ \* فَسَقَى لَهُمَا...﴾ (قصص / ۲۳-۲۴). موسی علیه السلام در راه مدین گروهی از چوپانان را که در حال سیراب کردن گوسفندان خود هستند، می‌بیند؛ اما دوزن به علت حضور این مردان نمی‌تواند به گوسفندانشان آب بدهند. در واقع در این آیه، از طریق توصیف این صحنه چنین مفهوم‌سازی شده که چوپانان مانند سدّی میان دختران و هدف آنان (سیراب کردن گوسفندان) قرار گرفته‌اند. موسی علیه السلام با شجاعت و قدرت این سدّ را کنار زده و مشکل دختران شعیب علیه السلام را حل می‌کند. این اقدام موسی علیه السلام نه تنها نمادی از

کمک و امداد رسانی است، بلکه قدرت او را نیز به عنوان فردی که موانع را کنار می‌زند و عدالت را برقرار می‌کند، برجسته می‌سازد. بدین سان این تصویرسازی تأثیر عمیقی بر ذهن حس‌گرای مخاطب گذاشته و او را به درک بهتری از نقش موسی علیه السلام در کمک به دیگران و مقابله با نابرابری‌ها می‌رساند.

در آیه ﴿وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا ۚ إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَّنَا عَلَيَّٰ قَلْبَهَا لَتُنُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (قصص/ ۱۰) نیز طرح‌واره قدرتی دیده می‌شود. در این آیه چنین آمده که وقتی خانواده فرعون موسی را از آب گرفتند، قلب مادر وی از همه چیز جز یاد فرزندش تهی شد و همه حواسش به موسی بود؛ چنان‌که اگر دل او را با ایمان و امید محکم نکرده بودیم، ممکن بود واقعیت را افشا کند. در این طرح‌واره قدرتی، از اضطراب و دلهره مادر به مثابه سدّ و مانع یا چالشی در برابر حفظ راز هویت موسی تعبیر شده؛ زیرا چنانچه فرعون حقیقت را می‌فهمید، به یقین کودک را می‌کشت. به هررو تصویر یادشده قدرت الهی را به گونه‌ای حسی و ملموس نشان داده و به مخاطب چنین القا می‌کند که چگونه خداوند در سخت‌ترین شرایط از بندگان خود حمایت می‌کند. این شیوه بیان، ضمن انتقال پیام اعتماد به خداوند، به مخاطب کمک می‌کند تا به شکلی عمیق‌تر با احساسات مادر موسی هم‌ذات‌پنداری کند.

در آیات ﴿وَحَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ \* فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ...﴾ (قصص/ ۱۲-۱۳) بخشی از داستان موسی علیه السلام که نوزادی در دست همسر فرعون است، بیان می‌شود. موسی علیه السلام به شیر نیاز دارد و به رغم اینکه همسر فرعون زنان متعددی را می‌آورد، از خوردن شیر خودداری می‌کند تا سرانجام با راهنمایی خواهر موسی علیه السلام آن حضرت در آغوش مادر آرام می‌گیرد. نکته مهم در این بخش از داستان این است که به امر الهی همه زنان شیرده از پیش بر این نوزاد حرام شده‌اند تا سرانجام، کودک به مادرش بازگردانده شود. بنابراین چنین استنباط می‌شود که در این آیه از زنان شیرده به عنوان سدّ و مانع در راه رسیدن موسی به مادرش تعبیر شده است. این شیوه بیانی، فهم مطلب را آسان می‌سازد؛ زیرا ذهن انسان مفاهیم انتزاعی را وقتی در قالب

مفاهیم حسّی ریخته شوند، بهتر درک می‌کند. به هررو تصویرسازی حسّی یادشده به زیبایی نقش خداوند در هدایت سرنوشت موسی و آرامش قلب مادرش را به نمایش می‌گذارد و مخاطب، با این شیوه بیان، به اهمیت پیوند مادر و فرزند و تدبیر الهی در این ماجرا پی می‌برد.

### ۸-۳. طرح‌واره‌های حرکتی

در این گونه از طرح‌واره‌ها تجربه حرکت در محیط زمینه‌ساز شکل‌گیری مفاهیمی است که با مبدأ، مقصد و مسیر تعریف می‌شوند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷: ۳۱). به عبارت دیگر، طرح‌واره حرکتی به انسان امکان می‌دهد تا مفاهیم انتزاعی را به صورت فضاهایی قابل حرکت بازنمایی کند. درواقع این الگوی ذهنی از تجربه واقعی حرکت در فضا نشئت می‌گیرد و در قالب مفاهیم انتزاعی به کار می‌رود (یاره، ۱۴۰۱: ۲۱).

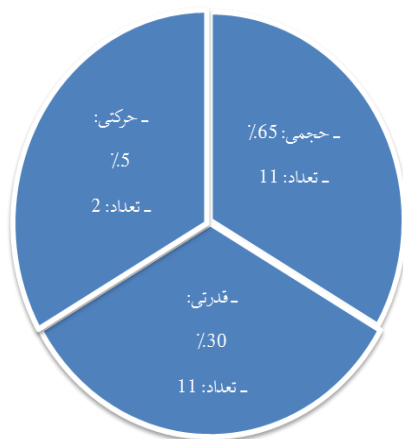
طرح‌واره‌های حرکتی مربوط به داستان حضرت موسی علیه السلام در سوره قصص، دو نمونه هستند که نخستین آن‌ها در آیه ۱۴ دیده می‌شود: ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَأَسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ (قصص/۱۴).

کلمه «أشد» در این آیه، چنان‌که در لسان العرب نیز آمده، به معنی بلوغ عقلی و شناختی است: «الأشد مبلغ الرجل، الحنكة والمعرفة» (ابن منظور، بی‌تا: ۲۲۱۵/۲۵). واژه یادشده طرح‌واره‌ای حرکتی که مقصد را نشان می‌دهد، پدید آورده است؛ زیرا کلمه «بلغ»، همان‌گونه که آمد، کنش تجربه‌مند رسیدن را بیان می‌کند که با شروع از مبدأ، پیمودن مسیر و پایان یافتن در مقصد محقق می‌شود. براین اساس، کلمه «أشد» به معنای مقصدی در نظر گرفته شده که موسی علیه السلام بدان خواهد رسید. این طرح‌واره حرکتی آن طول زمانی‌ای را که باید طی شود تا موسی علیه السلام به بلوغ و درواقع به مقصد برسد، در ذهن به تصویر می‌کشد و با این نکته که خداوند به موسی پس از طی دوره طفولیت، حکمت و علم عطا کرده، بسیار سازگار است.

مشابه این طرح‌واره در آیه ﴿فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ...﴾ (قصص/۲۹) دیده می‌شود.

«الأجل» مفهومی انتزاعی و به معنای مدّت است که در کنار فعل ماضی «قضی» (به پایان رساند) قرار گرفته است. «به پایان رساندن»، آغاز و انجامی را به ذهن القا می‌کند که شاخصه اصلی یک طرح‌واره حرکتی است. سرانجام باید گفت که طرح‌واره حرکتی تصویرشده در این آیه، کمک زیادی به تفهیم مقوله «به پایان رساندن» مدّت مشخص به وسیله حضرت موسی علیه السلام کرده است.

در پایان، دو جدول برای نمایش بسامد انواع طرح‌واره‌ها و کارکرد آن‌ها ذیل تجربیات حسی در آیات مورد مطالعه، ارائه می‌شود:



جدول شماره ۱

طرح‌واره حجمی		طرح‌واره حرکتی		طرح‌واره قدرتی	
مفهوم انتزاعی	تجربه مربوط به مفهوم	مفهوم انتزاعی	تجربه مربوط به مفهوم	مفهوم انتزاعی	سندشونده
قدرت	عضد (بازو)	أشد (بلوغ)	بلغ (رسید)	خوف	تهدید فرعون
عنده	مکان مندی	الأجل	قضی	خروج	تهدید فرعون
				اسقاء (سیراب کردن)	مانع شدن چوپانان مرد

دلهرهٔ مادر موسی	فؤاد			ذانک (قابل اشاره بودن)	برهان
زنان شیرده	تحریم			فارغ (شباهت به ظرف)	فؤاد
				آتیکم (قابلیت جابه جایی)	خبر
				جاء ب (قابلیت جابه جایی)	آیات
				انظر (قابل رؤیت بودن)	عاقبت
				آتینا (قابلیت جابه جایی)	حکم
				انزلت (شباهت به باران)	خیر
				هذا (قابل اشاره بودن)	سحر
				مکان مندی	بینی و بینک

جدول شمارهٔ ۲

### نتیجه گیری

سورهٔ قصص با محوریت داستان حضرت موسی علیه السلام نمونه‌ای درخشان از بهره‌گیری قرآن کریم از طرح‌واره‌های تصویری برای انتقال مفاهیم عمیق الهی به‌شمار می‌رود. این سوره با به‌کارگیری انواع طرح‌واره‌های تصویری و تصویرسازی‌های ملموس، پیام‌های الهی را به زیباترین شکل به مخاطبان عرضه کرده و برای انتقال مفاهیم انتزاعی از ابزارهای هنری و بیانی بهره می‌برد. این روش، هم‌زمان، هم مفاهیم انتزاعی را در ذهن مخاطب تقویت کرده و هم تأثیر پیام را در قلب او چندین برابر می‌سازد. این هنر بی‌نظیر قرآن بر جاودانگی و تأثیرگذاری بی‌پایان آن صحّه می‌گذارد. براین اساس می‌توان دریافت که

طرح‌واره‌های تصویری داستان حضرت موسی علیه السلام در سوره قصص، به طور گسترده به کار رفته‌اند تا مفاهیم عمیق الهی به شیوه‌ای ملموس، قابل فهم و تأثیرگذار به مخاطب ارائه شود. در این سوره، طرح‌واره‌های حجمی با تبدیل مفاهیمی انتزاعی مانند فؤاد، عهد، حکم، علم و آیات به اشیایی حجم‌مند و محسوس بر وضوح و عمق معنا افزوده و آن‌ها را در قالبی حسی و ملموس به تصویر می‌کشند. این شیوه بیانی مفاهیمی مانند آرامش مادر موسی، قطعی بودن عهد موسی و شعیب و روشنی نشانه‌های الهی را برای ذهن مخاطب ملموس‌تر می‌سازد.

طرح‌واره‌های حرکتی نیز با ترسیم مفاهیمی مانند بلوغ، رسیدن به هدایت، مدت و «به پایان رساندن» در قالب مسیرها و مقاصدی مشخص، به بیان معنای نحوه توصیف و تحلیل حرکت و تغییرات یک سیستم یا پدیده در طول زمان پرداخته و فرایندهای رشد و تعالی را تبیین می‌کند. این طرح‌واره‌ها از حرکت، مبدأ و مقصد بهره می‌گیرند تا انتقال پیام به شیوه‌ای زنده و پویا انجام شود.

همچنین طرح‌واره‌های قدرتی با تصویرسازی موانع، سدها و چالش‌های پیش روی موسی علیه السلام، قدرت الهی در رفع این موانع و پشتیبانی از آن حضرت را به تصویر می‌کشند. بدین سان مفاهیمی مانند حمایت الهی از موسی در مواجهه با نیروهای فرعون، آرامش دل مادر موسی و عبور از سدهای اجتماعی و فیزیکی به خوبی در قالب این نوع از طرح‌واره به نمایش درآمده است.

این شیوه بیان افزون بر ایجاد سهولت در فهم مفاهیم انتزاعی، بر تأثیرگذاری پیام قرآنی افزوده و به ارتباط عاطفی و معنوی میان متن و مخاطب کمک می‌کند. این طرح‌واره‌های تصویری نشان‌دهنده هنرمندی قرآن کریم در بیان مفاهیم عمیق و تقویت پیام معنوی به شیوه‌ای فرازمانی و فرامکانی است.

در پایان باید گفت که از دیدگاه بلاغی، سوره قصص در انتقال مفاهیم انتزاعی، با بهره‌گیری از طرح‌واره‌های تصویری حجمی، حرکتی و قدرتی عملکردی بسیار گویا و ممتاز دارد.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل، *لسان العرب*، تحقیق: عبدالله علی کبیر و دیگران، دار المعارف، القاهرة، بی تا.
۳. جانسون، مارک، *بدن در ذهن: مبنای جسمانی معنا، تخیل، استدلال*، ترجمه جهانشاه میرزابیگی، آگاه، تهران، ۱۳۹۷ ش.
۴. درویش، محی الدین، *اعراب القرآن و بیانه*، دار الإرشاد للشئون الجامعیة، دمشق، ۱۴۱۵ ق.
۵. راسخ مهند، محمد، *درآمدی بر زبان شناسی شناختی: نظریه ها و مفاهیم*، سمت، تهران، ۱۳۹۳ ش.
۶. روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی، *مقدمه ای بر معناشناسی شناختی*، نشر علم، تهران، ۱۳۹۲ ش.
۷. صفوی، کورش، «بحثی درباره طرح واره های تصویری از دیدگاه معنی شناسی شناختی»، *نامه فرهنگستان*، سال ششم، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۲ ش.
۸. صیادی نژاد، روح الله و دیگران، «بررسی و تحلیل طرح واره های استعاری- تصویری در قصاید سینیة بحتری و احمد شوقی»، *فصلنامه لسان مبین*، سال دهم، شماره ۳۷، ۱۳۹۸ ش.
۹. عامری، عبدالعالی، «الدلالة المعرفية و هندسة المعنى»، *مجلة جامعة بابل للعلوم الانسانية*، شماره ۲۸، ۲۰۲۰ م.
۱۰. فتوحی، محمود، *سبک شناسی نظریه ها، رویکردها و روش ها*، سخن، تهران، ۱۳۹۲ ش.
۱۱. قائمی نیا، علیرضا، *معناشناسی شناختی قرآن*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۴۰۰ ش.
۱۲. لیکاف، جورج، *قلمرو تازه علوم شناختی؛ آنچه مقوله ها درباره ذهن فاش می کنند*، ترجمه جهانشاه میرزابیگی، آگاه، تهران، ۱۴۰۰ ش.
۱۳. لیکاف، جورج و مارک جانسون، *استعاره هایی که با آن ها زندگی می کنیم*، ترجمه هاجر آقا ابراهیمی، مهارت، تهران، ۱۳۹۷ ش.
۱۴. نوازی، رحمان و عزت ملا ابراهیمی، «تحلیل شناختی طرح واره های تصویری در مناجات خمس عشر با تکیه بر نظریه جانسون و لیکاف»، *دوفصلنامه دعا پژوهی*، سال سوم، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ ش.
۱۵. نورمحمدی، مهتاب، «تحلیل مفهومی استعاره های نهج البلاغه: رویکرد شناختی»، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷ ش.
۱۶. یاره، زهرا، «بررسی طرح واره های تصویری داستان های قرآن کریم بر اساس آرای لیکاف و جانسون»، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه ایلام، ۱۴۰۱ ش.